

## کوچه باغ باران

مرا به شمه‌ای از عطر یار مهمان کن  
به کنج خلوت شب‌های تار مهمان کن  
سپیده دم، در دروازه سحر بنشین  
مرا به مزده آغوش یار مهمان کن  
بیا و با قدمت کوچه باغ باران را  
به دلنوازی فصل بهار مهمان کن  
به آب و آینه سوگند، عاشقی زخم است  
دلم به زخمه ناسازگار مهمان کن...

برگزیده‌ای از غزل «کوچه باغ باران» اثر شاعر نوجوان مصطفی شمس‌ی زارع از شهر  
مقدس قم

عطر اذان  
برای گل فرگس (عج)

پژواک تو در گوش جهان می پیچد  
نام تو به روی هر زبان می پیچد  
می آیی و در دست تو آینه و نور  
در صومعه‌ها عطر اذان می پیچد

مصطفی شمسی زارع  
کلاس سوم راهنمایی از شهر مقدس قم

## سینه ریز اشک تقدیم به حضرت رقیه (س)

ای مایه تمام غرور سه ساله‌ها  
یادآور تو، چشم نمور سه ساله‌ها  
تا در خیال، خاطرات خیمه می‌زند  
پی می‌برم به قلب صبور سه ساله‌ها  
تو، از لبان سرخ پدر بوسه چیده‌ای  
از بوسه داغ مانده تنور سه ساله‌ها  
در تنگنای خاطره‌ی مردمان شام  
برجای مانده رد عبور سه ساله‌ها  
در شام، یادگار علی بین خطبه‌ها  
تأکید می‌کند به حضور سه ساله‌ها  
با داغ یاد روی تو، تنها سه شاخه یاس  
باید گذاشت روی قبور سه ساله‌ها  
باید به یاد سینه‌ی تو سینه‌ریز ساخت  
با اشکهای مثل بلور سه ساله‌ها  
بگذار شاخه شاخه گل اشک بشکند  
وقتی شکسته است غرور سه ساله‌ها

مصطفی شمسی زارع  
کلاس سوم راهنمایی از شهر مقدس قم

## غدیر

جمعیت و خلق کاروان دریا شد  
منبر ز جهاز اشتران برپا شد  
بعد از نفسی جارچیان می گفتند  
از سوی خدا، علی علی مولا شد!

مصطفی شمس‌ی زارع

کلاس سوم راهنمایی از شهر مقدس قم